

www.salampnu.com

سایت مرجع دانشجوی پیام نور

- ✓ نمونه سوالات پیام نور : بیش از ۱۱۰ هزار نمونه سوال همراه با پاسخنامه
- تستی و تشریحی
- ✓ کتاب ، جزوه و خلاصه دروس
- ✓ برنامه امتحانات
- ✓ منابع و لیست دروس هر ترم
- ✓ دانلود کاملاً رایگان بیش از ۱۴۰ هزار فایل مختص دانشجویان پیام نور

www.salampnu.com

منطق (2)
رشته الهیات

تألیف: دکتر احد فرامرز قراملکی

چاپ انتشارات دانشگاه پیام نور

تهیه کننده: محمد صادق واحدی فرد

مرکز مشهد

تابستان 1385

فصل اول

- چيستي قياس
- آشنائي با منطق استنتاج

بخش اول: اهداف كلي

- دانشجويان در اين بخش با استنتاج و اقسام آن و حيطه استنتاج آشنا مي شوند

• .

تمایز منطق تعریف و منطق استنتاج

- 1. تعریف که عبارت است از ترتیب و صورت بندی تصورات پیشین ذهن در جهت نیل به تصور جدید (یعنی از طریق تعریف می توان مجهول تصوری خاصی را مرتفع کرد)
- 2. استنتاج که عبارت است از ترتیب و تنظیم تصدیقهای پیشین ذهن جهت کشف تصدیقی تازه .

انواع جهل

- (گاهی شخص به امری علم دارد ولی نسبت به علم خویش آگاه نیست. این گونه «ندانستن» را نمی توان درحقیقت، جهل نامید و با علم تقابلی ندارد.
- (دو) گاهی شخص به امری خاص علم ندارد، ولی به ندانستن خویش آگاه است. چنین جهل و نادانی در اصطلاح حکیمان «**جهل بسیط**» نامیده می شود. تقابل جهل بسیط با علم، از باب **تقابل عدم و ملکه** است.
- (سه) گاهی، شخص امری را نمی داند و نسبت به جهل خویش آگاهی هم ندارد و چنین می پندارد که می داند. جهل به واقعیت و جهل به ناآگاهی خویش. به همین سبب چنین جهلی را «**جهل مرکب**» می نامند.

استنتاج و دامنه آن

- ذهن انسان یا به نحو قاطع می توان اذعان کرد الف ب است و یا الف ب نیست
- یا اینکه نمی توان حکم قطعی داد بلکه با حالت شك و تردید گفته می شد: نمی دانم که الف ب است .
- حالت نخست علم تصدیقی وجود دارد
- و حالت دوم جهل خوانده میشود .

آیا هر جهلی با علم تقابل دارد؟

- جهل در مقابل علم به معنای ندانستن به نحو اشتراك لفظي سه کاربرد مختلف دارد: يك) گاهی شخص به امری علم دارد ولی نسبت به علم خویش آگاه نیست. یعنی وی در واقع امر مورد نظر را می داند اما چنین می پندارد که آگاهی از آن امر ندارد. این گونه «ندانستن» رانمی توان در حقیقت، جهل نامید و با علم تقابلی ندارد.

استدلال غیرمباشر چیست؟

- حجت یا استدلال روشن ذهن دربرطرف کردن جهل بسیط تصدیقی است. قسم دوم (انتقال ذهن از تصدیقهای پیشین به تصدیق جدید) را استدلال غیرمباشر می نامند. در استدلال غیرمباشر تصدیق مطلوب (نتیجه استدلال) از طریق حداقل دو قضیه حاصل می شود .

تقابل علم با جهل مرکب چه تقابلی است؟

- تقابل جهل مرکب با علم، تقابل تضاد است

در استدلال غیرمباشر دو حرکت وجود دارد

- 1. گزینش و انتخاب تصدیق‌های درست و شایسته .
- 2. تنظیم و صورت بندی صحیح .

- استنتاج غیرمباشر را بر سه قسم دانسته اند :
- قیاس
- استقراء
- وتمثیل

چرا استدلال غیر مباشر منحصر به سه نوع است

- زیرا مقدمات معلوم اگر مشابه و مساوی با نتیجه مطلوب باشد و امر سومی هر دو را شامل گردد، استدلال تمثیل خواهد بود
- و اگر مقدمات مشمول امر مجهول و از جزئیات و مصادیق آن باشند، استدلال، استقرایی است
- و اگر امر مجهول (نتیجه) مشمول مقدمات معلوم و از جزئیات و مصادیق آن باشد، استدلال قیاسی است .

اهداف كلي بخش دوم

- دانشجويان با تعريف قياس آشنا مي شوند .
- اقسام قياس را مي شناسند .

تعريف قياس

- قياس نزد منطق دانان ارسطويي، تعريف دقيقترى دارد: «قياس مجموعه اى از قضايائى تاليف ياقته است به گونه اى كه صرفاً به فرض صدق آن قضايا و تنها به دليل نحوه تاليف آنها، قضيه اى ديگر، بالضروره، لازم آيد» به عبارت ديگر، قياس مجموعه مؤلف از قضايا است به گونه اى كه تنها به فرض صدق آن قضايا، قضيه اى ديگر به نحو اجتناب ناپذير صادق آيد.

ارکان قیاس

- قیاس بر دو رکن استوار است:
- 1. مقدمات که ماده قیاس نام دارد
- 2. هیئت خاص و تألیف مقدمات که صورت قیاس نامیده می شود. نتیجه قیاس حاصل این دو امر است: ماده صحیح و صورت درست.

تعریف دیگری از قیاس

- قیاس ،استنتاجی است که به وسیله آن می توان به کشف تصدیق یا قضیه جدیدنائل آمد. بنابراین برای بدست آوردن جملات انشائی نمی توان از قیاس بهره جست .

مطلوب اول و مطلوب ثاني

- هر الفی ب است
- هر ب ج است
- نتایجی که می توان از استدلال فوق بدست آورد متعدد است از جمله :
- هر الفی ج است .
- برخی الف ها ج اند .
- برخی از ج ها الف اند .
- و.....
- نتیجه اول به طور مستقیم از دو مقدمه قیاس حاصل می شود . به همین دلیل آن را نتیجه مباشر ، نتیجه بالذات یا مطلوب اول قیاس می نامند .
- اما نتایج دیگر به واسطه نتیجه اول و با کمک قواعد استدلال مباشر (مانند قاعده نقیض ، تضاد ، عکس مستوی ، عکس نقیض و...) به دست می آیند . چنین نتایجی را مطلوب ثاني یا نتیجه بالعرض و بالتبع می نامند .

فصل دوم

- بخش اول :
- قیاس استثنائی متصله
- اهداف کلی قیاس استثنائی:
- دانشجویان قیاس استثنائی و شرایط آن آشنا شود .
- قیاس استثنائی متصله و اشکال مختلف آن را بشناسد .
- از مغالطاتی که در قیاس استثنائی متصله رخ می دهد، آگاه شود .

تعريف قياس استثنائي

- قياس استثنائي قياسی است که نتیجه بالفعل و با همان تألیفی که دارد و یا نقیض نتیجه، در مقدمات ذکر می شود
- قياس استثنائي داراي دو مقدمه مي باشد: مقدمه اول قضيه شرطي است (متصله يا منفصله) و مقدمه دوم قضيه حملي است که عين یا نقیض مقدم و یا تالی قضیه شرطی می باشد .
- بنابراین قياس استثنائي مرکب از يك شرطيه و يك حمليه است .

شرایط قیاس استثنائی

- از حیث انتاج دو شرط اساسی دارد :
- 1. مقدمه شرطی به نحو اتفاقی نباشد بلکه اگر متصله است لزومیه باشد و اگر منفصله است، به نحو **عناد** می باشد و نه انفصال اتفاقی .
- 2. مقدمه شرطی به نحو کلی و فراگیر باشد و نه جزئی و شخصی .

اقسام قیاس استثنائی

- متصله است ویا منفصله .
- اگر در قیاس استثنائی مقدمه شرطی متصله باشد آن را استثنائی اتصالی می خوانند مانند قیاس (1):
- قیاس (1) اگر آفریدگار عالم نه یکی بود ،عالم برنظام نبودی.
- ولکن عالم برنظام است.
- : آفریدگار عالم یکی است .
- واگر مقدمه شرطی قیاس، قضیه منفصله باشد ،قیاس استثنائی منفصله نامیده می شود مانند قیاس (2) :
- قیاس (2) یا عدد چهار زوج است ویا عدد چهار فرد است .
- عدد چهار زوج است .
- : عدد چهار فرد نیست .

قياس استثنائي متصله

- قياس استثنائي اتصالي، مولف از يك قضيه شرطي متصله است و يك قضيه حمليه
- در اين نوع قياس، قضيه حمليه تنها داراي چهار حالت است :
 - 1. عين مقدم متصله
 - 2. نقيض مقم متصله
 - 3. عين تالي متصله
 - 4. نقيض تالي متصله

صورت های منتج شرطی متصله

- وضع مقدم و رفع تالی نامیده می شوند منتج می باشد
- و دوشکل دیگر که به ترتیب
- وضع تالی و رفع مقدم نامیده می شوند، عقیم می باشد .

شرایط اختصاصی قیاس استثنائی متصله

- مقدمه حملي يا بايد عين مقدم شرطي متصله (مقدمه نخست) باشد و يا بايد نقيض تالي شرطي متصله باشد .
- باتوجه به این ضابطه منطقی، از چهار شکل قیاس استثنائی متصله تنها دو شکل منتج است :
- وضع مقدم که وضع تالی را نتیجه می دهد و رفع تالی که رفع مقدم را نتیجه می دهد

مغالطه وضع تالي

- قياس استثنائي اتصالي مركب از يك مقدمه شرطي متصله و يك حمله كه عين تالي همان شرطي است ، منتج نمي باشد. به عنوان مثال اين قياس اگر چه داراي مقدمات صادق است ولي منتج نيست .
- اگر سعدي تبريزي باشد آنگاه سعدي ايراني است .
- -سعدي ايراني است .

مغالطه رفع مقدم

- قیاس استثنائی مؤلف از قضیه شرطی متصله و حملیه ای که نقیض مقدم است، لزوماً منتج نیست. بنابراین به عنوان قاعده کلی و فراگیر نمی توان از رفع مقدم يك شرطی نفی تالی آن را نتیجه گرفت. به عنوان مثال، اگر این شکل (□) لوزی باشد دارای چهار زاویه است.
- این شکل لوزی نیست.

انتاج قیاس استثنائی متصله سالبه

- در مورد قیاسی که شرطی متصله در آن به نحو سالبه باشد یکی از دو راه را می توان اخذ نمود :
- روش اول: تبدیل سالبه به موجب لزومی معادل آن، به عنوان مثال
- چنین نیست که اگر زید کاتب است آنگاه زید خفته است $(P \rightarrow Q) \sim$
- -زید کاتب است .
- مقدمه شرطی متصله سالبه به شرطی متصله موجبه لزومیه معادل آن تبدیل نمود و آنگاه با مقدمه حملیه ترکیب کرد .
- هرگاه اگر زید کاتب باشد آنگاه او خفته نیست . -زید کاتب است
- :زید خفته نیست .

روش دوم انتاج قیاس استثنایی متصله

- قیاس استثنایی متصله که مقدمه شرطی آن سالبه است، به طور کلی وبه نحو لزوم به فرض صادق بودن هر جزء مقدمه استثنایی (مقدم یا تالی) ،کذب جزء دیگر را می توان استنباط کرد .
- چنین نیست که اگر این عدد، فرد باشد آنگاه بردو قابل قسمت است .
- -این عدد ،فرد است
- :این عدد بردو قابل قسمت نیست .

قياس استثنائي متصله مرخم

- در مواردی مقدمه حملی قیاس استثنائی متصله حذف می شود. در این موارد قیاس به صورت يك قضیه شرطی متصله ذکر می شود. حذف مقدمه حملی به یکی از دو دلیل زیر انجام می شود.
- يك: وقتی مقدمه حملی بسیار روشن باشد، به گونه ای که به ذکر آن نیازی نباشد.
- دو: در مواردی استدلال کننده برای معلوم نشدن کذب مقدمه حملی از ذکر آن خودداری می کند. در واقع وی به دلیل مغالطی مقدمه حملی را حذف کرده است.

قياس استثنائي منفصله

- قسم دوم قياس استثنائي، قياسي است كه از يك قضيه شرطي منفصله و يك قضيه حميله تأليف شده است . مقدمه حمليه در چنين قياسي از دو حالت بيرون نيست . يا عين يكي از دو مؤلفه شرطي منفصله است ويا نقيض يكي از آن دو مي باشد .

استثنائي انفصالي داراي چهار شكل

- شكل اول :
- قياس (1) -يا الف ب است يا ج، د است .
- -الف ب است .
- شكل دوم
- قياس (2) -يا الف ب است يا ج، د است .
- -ج، د است .
- شكل سوم
- قياس (3) -يا الف ب است يا ج، د است .
- -الف ، ب نيست .
- شكل چهارم
- قياس (4) يا الف ب است يا ج، د است .و
- -ج، د نيست .

استثنائي انفصالي از جهت منتج و عقيم بودن

- انفصالي مانند قياس استثنائي اتصالي نيست . زيرا قياس انفصالي از جهت مقدمه شرطي بر سه قسم است: حقيقه، مانعة الجمع و مانعة الخلو. اين سه قسم قياس انفصالي از جهت عقيم و يا منتج بودن ضوابط خاصي دارند .

انتاج انفصالي مولف از حقيقه

- قياس انفصالي مؤلف از منفصله حقيقه
- در اين نوع قياس استثنائي منفصله، مقدمه دوم (قضيه حمله) مي تواند عين يا نقيض هريك از دو مؤلفه باشد. بنا بر اين، چنين قياسي در هر چهار شكل منتج است.

قياس استثنائي منفصله مانعة الجمع

- در قياس استثنائي انفصالي كه يكي از مقدمه هاي آن منفصله مانعة الجمع است، تنها از صدق يكي از مؤلفه ها، كذب مؤلفه ديگر لازم مي آيد (ونه بر عكس يعني از كذب و ابطال يكي از مؤلفه ها، نمي توان مؤلفه ديگر را اثبات كرد). به همين دليل، قياس استثنائي منفصله مانعة الجمع تنها دو شكل منتج دارد.

مغالطی بودن استثنایی منفصله مانعه الجمع

- اگر در قیاس استثنائی انفصالی مانعة الجمع از طریق کذب یکی از مؤلفه ها به صدق مؤلفه دیگر استدلال شود، قیاس مغالطی خواهد بود (و نه منتج) مانند قیاس :
 - یا این شکل (Δ) ، مربع است یا دایره .
 - این شکل (Δ) ، مربع نیست .
 - : این شکل (Δ) ، دایره است .

قياس استثنائي منفصله مانعة الخلو

- در قياس استثنائي انفصالي كه از شرطي منفصله مانعة الخلو تأليف شده است تنها از طريق كذب يكي از مؤلفه ها به صدق مؤلفه ديگر مي توان استدلال كرد و نه برعكس. (درست برخلاف مانعة الجمع) يعني شرط انتاج چنين قياسي اين است كه مقدمه حتمي بايد نقيض يكي از مؤلفه هاي مقدمه منفصله باشد . و تنها دوشكل منتج خواهد داشت .

مثال دوشکل منتج انفصالي مانعه الجمع

- شکل اول
- یا الف ب است یا ج، د است (نه هیچکدام و شاید هر دو)
- -الف ب نیست-
- : ج، د است .
- یا این جسم در معرض حرارت قرار نگرفته است و یا این جسم منبسط شده است .
- -این جسم در معرض حرارت قرار گرفته است-
- : این جسم منبسط شده است .
- شکل دوم
- یاس (20) -یا الف ب است یا ج، د است. (نه هیچکدام و شاید هر دو)
- -ج، د نیست-
- : الف ، ب است .

قياس استثنائي منفصله كثير الاجزاء

- در مواردی که مقدمه منفصله دارای مؤلفه های زیادی باشد، روش انتاج به صورت زیر است :
- در منفصله حقیقیه اگر منفصله دارای مؤلفه های متعدد باشد وضع يك مؤلفه ، نقیض سایر مؤلفه ها را نتیجه می دهد . مانند قیاس :
- این مثلث یا متساوی الاضلاع است یا متساوی الساقین یا مختلف الاضلاع
- -این مثلث مختلف الاضلاع است .
- :این مثلث متساوی الاضلاع نیست و این مثلث متساوی الساقین نیست .

منفصله حقيقي با مؤلفه هاي متعدد

- نقیض يك مؤلفه ، عين مؤلفه هاي ديگر را به نحو انفصال نتیجه مي دهد مانند:
- اين شخص يا هم سن برادر من است يا بزرگتر از برادر من است ويا کوچکتر از برادر من است .
- -اين شخص هم سن برادر من نیست.
- : يا اين شخص بزرگتر از برادر من است يا اين شخص کوچکتر از برادر من است .

انتج منفصله مانع الجمع كثير الاجزا

- وضع هر مؤلفه اي ،نقيض همه مؤلفه هاي ديگر را
نتيجه مي دهد .مانند:
- اين موجود يا عقل است يا نفس است يا جسم (نه هر سه
و شايد هيچكدام)
- -اين موجود عقل است-
- : اين موجود نفس نيست و اين موجود جسم نيست .

انتاج منفصله مانعة الخلو كثير الاجزا

- ، نقيض هر مؤلفه اي، عين مؤلفه هاي ديگر را به نحو انفصال نتيجه مي دهد مانند:
- يا من با علي مشورت مي كنم ويا با حسن مشورت مي كنم ويا با مجيد(نه هيچكدام وشايد هر سه)
- من با علي مشورت نمي كنم .
- : من يا با حسن مشورت مي كنم ويا با مجيد مشورت مي كنم .

فصل سوم قیاس اقترانی

- اهداف کلی
- قیاس اقترانی را بشناسیم .
- با اشکال مختلف هر شکل آشنا شویم .
- از شرایط و ضوابط عمومی انتاج در قیاس اقترانی آگاه شویم.

تعريف قياس اقتراني

- در قياس اقتراني، چنانکه ذکر شد، نسبت خبري که اذعان به آن (سلباً يا ايجاباً) مطلوب است، به نحو بالفعل در هيچکدام از مقدمات مذکور نيست و لذا براي حصول آن، مقدمات قياس (دو قضيه حتمي مؤلف قياس) را بايد به حدود آن تجزيه کرد. مراد از حدود در قضيه، موضوع و محمول مي باشد

موضوع حد وسط در قیاس اقترانی

- بنا به حصر عقلي از چهار حالت بیرون نیست که بر مبنای این چهار جایگاه، قیاس اقترانی هم چهار شکل پیدا می کند :
- اوسط اگر حمل یافت در بر صغری و باز
- وضع به کبری گرفت شکل نخستین شمار
- حمل به هر دو دوم، وضع به هر دو سوم
- رابع اشکال را عکس نخستین شمار

- شکل اول
- شکل نخستین، قیاسی است که حداوسط محمول در صغری و موضوع در کبری باشد .
- این شکل به جهت انتاج، روشن ترین و معتبرترین شکل قیاس اقترانی می باشد به گونه ای که کسی در منتج بودن آن شک نمی کند،
- مانند: صغری : الف ب است
- کبری : هر ب ج است .
- : الف ج است .

شکل دوم قیاس اقترانی

- در شکل دوم ، حد اوسط در هر دو مقدمه ، محمول واقع می شود . مانند
- صغری : الف ب است .
- کبری : هیچ ج ب نیست .
- : الف ج لف ج نیست .

شکل سوم قیاس اقترانی

- در شکل سوم ، حد اوسط در هر دو مقدمه موضوع می باشد.
- مانند: صغری: ب الف است .
- کبری: هر ب ج است .
- : برخی از الف ها ج هستند .

شکل چهارم قیاس اقترانی

- شکل چهارم هم از جهت جایگاه حد اوسط و هم از جهت روشنی در اعتبار، کاملاً بر عکس شکل نخستین است. این قسم از قیاس از جهت انتاج از بداهت برخوردار نیست
- مانند: صغری: ب الف است .
- کبری: ج ب است .
- : الف ج است .

ضوابط منطقي قياس اقترااني

- شرايط انتاج قياس هاي اقترااني را بر دو قسم دسته بندي کرده اند .
- شرايط عمومي
- شرايط خصوصي

شرایط عمومی قیاس (1)

- عبارتند از :
- کلیت یکی از دو مقدمه
- موجب بودن یکی از دو مقدمه
- دریک قیاس اگر صغری سالبه است ، کبری نمی تواند جزئیه باشد و اگر کبری جزئیه است ، صغری نمی تواند سالبه باشد.
- تکرار حد اوسط: حد اوسط دریک قیاس باید به معنای دقیق کلمه تکرار بشود.

شرایط عمومی قیاس (2)

- 6. نتیجه تابع اخس مقدمتین است .
- در منطق جدید شرط دیگری هم از جهت نتیجه قیاس ها ذکر شده است. می گویند از دو مقدمه کلی، نتیجه جزئی حاصل نمی آید . به عبارت دیگر، اثبات قضیه جزئی بر مبنای مقدمات صرفاً کلی از نظر آنها استنتاج مغالطی است در حالیکه چنین استدلالی از نظر منطقیون قدیم مجاز است .

مواضع ايهام تکرار حد اوسط

- يك - مغالطه اشتراك لفظ
- دو - مغالطه اسمي و مسمي
- سه - مغالطه بالذات وبالعرض
- چهار - مغالطه مفهوم ومصداق
- پنج - مغالطه جزء وکل
- شش - خلط حيثيت ها. حد اوسط ممکن است در مقدمه اي به شرط لا باشد، در مقدمه اي ديگر لا به شرط .

بخش دوم : قیاس اقتراحي شکل اول

-
- اهداف كلي
- با قیاس اقتراحي شکل اول و شرایط انتاج آنها آشنا می شویم .
- ضرورت منتج شکل اول را می شناسیم .

شرایط اختصاصی قیاس اقتراانی شکل اول

- شکل اول قیاس اقتراانی، علاوه بر شرایط عمومی، دارای دو شرط اختصاصی نیز می باشد :
- 1. موجب بودن صغری
- 2. کلیت کبری

شرایط اختصاصی قیاس اقترا نی شکل دوم

- شکل دوم قیاس اقترا نی، قیاسی است که حد اوسط در هر دو مقدمه محمول واقع شده است . انتاج این شکل برخلاف شکل اول بدهی نیست بلکه نیازمند اثبات است .
- علاوه بر شرایط عمومی قیاس اقترا نی، واجد دو شرط اختصاصی نیز می باشد:
 - 1. اختلاف دو مقدمه در کیف (سلب و ایجاب)
 - 2. کلیت کبری

اثبات ضرورت منتج شکل دوم

- براي اثبات اين ضروب روش هاي زير اعمال مي شود
- برهان خَلْف: اين روش را در مورد همه ضربهاي منتج مي توان اعمال کرد .
- برهان رد و تبديل:
- روش افتراض در مورد ضربهاي اعمال مي شود که يکي از مقدمات جزئي باشد .

قياس اقترااني شكل سوم

- اهداف كلي
- بانشجوبا اقياس اقترااني شكل سوم وشرائط انتاج آن آشنا شود.
- ضرورب منتج شكل سوم را بشناسد .
- با راههاي اثبات ضرورب منتج شكل سوم آشنا شود .

- قیاس اقتراڻي
- در قیاس اقتراڻي شکل سوم، مشروط به شرایط اختصاصي زیر نیز می باشد
- 1. موجب بودن صغري
- 2. کلیت یکی از مقدمه ها
- نتیجه قیاس همیشه جزئی است .

اثبات ضرورت منتج شکل سوم

- برای اثبات انتاج ضرورت، یکی از سه طریق
- برهان خلف
- برهان رد و تبدیل
- برهان افتراض را می توان انتخاب کرد.

بخش پنجم: قیاس اقترا نی شکل چهارم

- اهداف کلی
- دانشجو با قیاس اقترا نی شکل چهارم و شرایط انتاج آن آشنا شود .
- از اختلاف دیدگاه منطق دانان درباره اعتبار شکل چهارم و شرایط انتاج آن آگاه گردد.
- با ضروب منتج شکل چهارم و راههای اثبات آن آشنا گردد.

قياس اقتراڻي شڪل چهارم

- قياس اقتراڻي شڪل چهارم، آن است كه **حداوسط** در آن، موضوع مقدمه صغري و محمول مقدمه كبري باشد .

دیدگاه منطق دانان متقدم درباره شکل چهارم

- علاوه بر شرایط عمومی، باید واجد دو شرط اختصاصی زیر باشد:
- شرط اول: هیچکدام از مقدمه‌ها ی قیاس شکل چهارم، سالبه جزئیه نباشد، به عبارت دیگر سلب و جزئیت در یک مقدمه جمع نگردد.
- شرط دوم: در صورت موجبه بودن هر دو مقدمه، صغری کلیه باشد.
- از نظر متقدمین نتیجه شکل چهارم نمی‌تواند موجب کلی باشد، نتیجه موجب جزئی است (مانند شکل سوم).
- متأخرین، در انتاج شکل چهارم به ذکر یک شرط اختصاصی بسنده کرده‌اند.

قياس اقتراني شرطي

- اگر حداقل يکي از مقدمات قياس اقتراني، قضيه شرطي باشد (متصله يا منفصله) آن را قياس اقتراني شرطي مي نامند.

قياس اقتراني شرطي از جهت نوع مقدمات

- بر 5 قسم اند :
- 1. مرکب از دو مقدمه متصله
- 2. مرکب از دو مقدمه منفصله
- 3. مرکب از يك متصله و يك منفصله
- 4. مرکب از يك حمله و يك متصله
- 5. مرکب از يك حمله و يك منفصله

قياس اقترااني شرطي از جهت حدوسط

- و از جهت اينکه حدوسط، تمام جزء مقدمات است و يا نه، سه قسم است :
و از جهت اينکه حدوسط
- يا حد وسط جزء تام در هر دو مقدمه است يا جزء غير تام در هر دو مقدمه است و يا جزء تام در يك مقدمه و جزء غير تام در مقدمه ديگر مي باشد .

فصل چهارم: توابع قیاس، استقراء و تمثیل

- بخش اول:
- اهداف کلی توابع قیاس
- دانشجو باید قیاس محرّف و اقسام آن را بشناسد .
- با قیاسهای مرکب و اقسام آن آشنا شود .
- نسبت بین قیاسها و اقسام آن را بشناسد .

قياس محرّف

- گاهي استدلال كننده، قياس خویش را چنان بيان مي كند كه توجه به ساختار منطقي آن محتاج دقت نظر و برگرداندن آن به زبان صوري منطقي است . چنين قياس هايي را قياس منحرف يا محرّف مي نامند .

منحرف بودن قیاس

● منحرف بودن قیاس در اغلب موارد معلول یکی از دو علت زیر است:

● 1. منحرف بودن قضایای مؤلف آن

● 2. مضمرب بودن قیاس . مانند:

● - هر دانشجویی کوشا نیست.

● - هر موفقی کوشا است .

● ترجمه منطقی قیاس

● - برخی از دانشجویان کوشا نیستند .

● - هر موفقی کوشا است .

● :برخی از دانشجویان موفق نیستند.

ترجمه منطقی قیاس

- برخی از دانشجویان کوشا نیستند .

- هر موفقی کوشا است .

:برخی از دانشجویان موفق نیستند.

ص 117

قیاس مُضمر

- یکی از دو مقدمه و یا نتیجه آن به تصریح ذکر نمی شود .
چنین قیاسی را قیاس مضمر می نامیم .
- گاهی به علت ظهور از ذکر آن بی نیازیم .
- گاهی مقدمه استدلال قابل دفاع نیست و برای مخفی ماندن اعتبار منطقی آن از ذکرش خودداری می گردد .
-

قیاس ضمیر

- قیاسی را کبرای آن محذوف بشود، قیاس ضمیر می نامیدند .
- قیاس ضمیر را بردو قسم
- دلیل
- و علامت
- تقسیم کرده اند .

قیاس ضمیر (دلیل)

- دلیل: دلیل قیاس ضمیری است که حداوسط آن امری است که هرگاه در اصغر پدید آید، همراه اصغر امر دیگری نیز پدید آید
- جهان دارای نظم است پس هدف دارد .
- به صورت منطقی چنین خواهد بود :
- -جهان دارای نظم است .
- -هر دارای نظامی، هدف دارد .
- : جهان دارای هدف است .

قیاس ضمیر (علامت)

- علامت : علامت قیاس ضمیری است که حد وسط در آن یا از هر دو طرف نتیجه (اصغر و اکبر) اعم است و یا از هر دو طرف نتیجه اخص می باشد.
- آهن پلاستیك نیست زیرا هادی است.
- ساختار منطقی قیاس به صورت زیر است :
- آهن هادی است
- هیچ پلاستیکی هادی نیست
- آهن پلاستیك نیست .
- در صورت دوم یعنی اگر حد اوسط اخص از اکبر و اصغر باشد، در هر دو مقدمه موضوع خواهد بود .
- انسان کاتب است زیرا دانشجو کاتب است و انسان
- ساختار منطقی قیاس
- هر دانشجوی انسان است .
- هر دانشجویی کاتب است .
- برخی انسان ها کاتب هستند .

تفاوت علامت و دلیل

- در دلیل حد اوسط دلیل حمل اکبر بر اصغر می باشد و لذا در علوم نیز کاربرد دارد اما در علامت، حد اوسط تنها علامت و نشانه حمل اکبر بر اوسط است و در علوم کاربرد ندارد.

قیاس مرّخم

- : از دیگر موارد قیاس مضمّر قیاسی است که دو مقدمه آن ذکر شده و نتیجه آن حذف شود . چنین قیاسی را که ساده ترین نمونه قیاس مضمّر است، قیاس مرّخم می گوئیم .
- سعدي افتاده اي است آزاده کس نیاید به جنگ افتاده
- تصریح قیاس
- -سعدي افتاده است . (صغري)
- سعدي آزاده است . (نقشي دراستنتاج ندارد)
- هیچ کس به جنگ افتاده نمی آید . (کبری)
- :کسي به جنگ سعدي نمی آید . (نتیجه قیاس که ذکر نشده است) .

قیاس مرکب

- برخی از قیاسها مقدمه های متعددی دارند و قابل تحلیل به دو یا چند قیاس می باشند. چنین قیاسی، قیاس مرکب نامیده می شود. قیاس مرکب یا به گونه ای است که همه ارکان قیاس های سازنده آن (مقدمات و نتایج) ذکر می شود و یا چنین نیست. در صورت اول قیاس مرکب موصول نامیده می شود.

قیاس مرکب مفصول

- اگر همه ارکان قیاس های سازنده نوشته نشود، قیاس مرکب مفصول یا قیاس مدرج نامیده می شود. مانند قیاس زیر:
- : مجید شیعه است.
- هر شیعه ای مسلمان است .
- هر مسلمانی موحد است.
- :مجید موحد است.

تفاوت قیاس موصول با مفصول

- در دو نکته است :
- (يك) در قیاس موصول دو قیاس سازنده به وسیله نتیجه اول (که صغرای دومی نیز می باشد) به هم وصل شده اند . اما در قیاس مفصول چنین وصلی وجود ندارد .
- (دو) قیاس مفصول در واقع از جمله قیاس های مضمَر است یعنی قیاسی است که مقدمه های از آن ذکر نشده است .

قیاس مساوات

- قیاس مرکبی است که برخی از مقدمات آن ذکر نشده است .
- الف مساوی ب است .
- ب مساوی ج است .
- ؟:
- با ذکر آن مقدمه خفی، قیاس ساختار قیاس مرکب مفصول را پیدا می کند .
- الف مساوی ب است .
- ب مساوی ج است .
- هرچه با مساوی مقدار (مانند ج) مساوی باشد با خود آن مقدار (مانند الف) هم مساوی است .
- قیاس هایی که چنین ساختاری داشته باشند، قیاس مساوات نامیده می شوند .

در منطق جدید (پيروان فرگر) مساوي بودن يعنى؟

- مساوی بودن به منزله يك مفهوم نیست بلکه آن به عنوان يك نسبت مورد لحاظ است. آنان نسبتهاي را بر دو قسم دانسته اند:
- نسبتهاي متعدي: مانند تساوي، توازي کوچکتری، بزرگتری، تلازم و...
- نسبتهاي غير متعدي: مانند نصف بودن، فرزند بودن و... قیاس هاي مبتني بر نسبت هاي متعدي به طور كلي منتج اند و قیاس هاي مبتني بر نسبتهاي غير متعدي به طور كلي عقیم اند.

قیاس خُلف

• قیاس خُلف قیاس مرکب مضمري است که مطلوب را از طریق ابطال نقیض آن را اثبات می کند.

• برخی از الف ها ب نیستند .

• هر ج ب است .

• برخی از الف ها ج نیستند .

• اثبات مطلوب از طریق برهان خلف، به صورت قیاس مرکب موصول زیر می باشد :

• اگر «برخی از الف ها ج نیستند» صادق نباشد، آنگاه باید «هر الف ج است» صادق باشد. (به دلیل قاعده تناقض)

• هر ج ب است . مقدمه قیاس نقیض مسأله است .

• اگر «برخی از الف ها ج نیستند» صادق نباشد، آنگاه «هر الف ب است» صادق می باشد .

• ولیکن «هر الف ب است» صادق نمی باشد (زیرا نقیض آن مقدمه قیاس می باشد).

نسبت بین دو قیاس

- بین دو قیاس نیز می توان نسبت‌های خاصی را تعریف کرد. در اینجا به ذکر چهار نسبت بسنده می کنیم: دور، عکس، مقاومت و معارضت.

قیاس دور

- هرگاه بتوان از طریق تألیف نتیجه يك قیاس و عین یا عکس (به طور کلی معادل) یکی از مقدمه های همان قیاس، مقدمه دیگر آن قیاس را نتیجه گرفت، قیاس به دست آمده را در نسبت با قیاس سابق، قیاس دور می نامند .
- هر انسانی ناطق است .
- هر ناطقی ضاحک است .
- :هر انسانی ضاحک است .
- هر انسانی ضاحک است . (نتیجه قیاس بالا)
- هر ضاحکی ناطق است . (عکس مقدمه قیاس که به نحو کلی صادق است).
- :هر انسانی ناطق است (مقدمه دیگر قیاس)

کاربردهای قیاس دوری

- قیاس دوری کاربردهای مختلفی دارد از جمله :
- برای امتحان صحت قیاس سابق،
- برای تبدیل برهان $اِنْ$ به برهان $لَمْ$
- و برای تلبس و مغالطه به کار می رود .

قیاس عکس

- هرگاه مقابل نتیجه يك قیاس را با مقدمه اي از همان قیاس تألیف کنیم به گونه اي که مقابل مقدمه ديگر را نتیجه دهد، قیاس حاصل را در نسبت با قیاس سابق، قیاس عکس مي نامند .

- هر خفاشي پرنده است .

- هیچ پرنده ای پستاندار نیست.

- هیچ خفاشي پستاندار نیست.

- هر خفاشي پرنده است . (يکي از مقدمه ها)

- خفاشي پستاندار است . (ضد نتیجه قیاس)

- برخي پرنده هاي پستاندارند .

کاربردهای قیاس عکس

- قیاس عکس که از طریق بطلان نتیجه يك قیاس ، يك از مقدمات همان قیاس را باطل می کند، مانند قیاس دور کاربردهای زیادی دارد .
- از جمله آزمون، تمرین و ممارست مغالطه
- و تلبس
- ورد خلف به مستقیم .

قیاس مقاومت

- قیاسی که به وسیله آن بتوان از طریق انتاج مقابل (ضد یا نقیض) قوی ترین مقدمه يك قیاس، آن مقدمه را ابطال کرد، قیاس مقاومت نامیده می شود .
- برخی از الف ها ب اند .
- هر ب ج است .
- برخی از الف ها ج اند .
- هر ب ط است .
- هیچ ط ج نیست .
- هیچ ب ج نیست .
- بهرام راننده تاکسی است .
- هر راننده تاکسی فاقد عاطفه است
- بهرام فاقد عاطفه است .
- برخی از رانندگان تاکسی شاعر هستند .
- هیچ شاعری فاقد عاطفه نیست .
- برخی از رانندگان تاکسی فاقد عاطفه نیستند .
- قیاس مقاومت بدون آنکه نتیجه و ادعای يك قیاس را ابطال کند، وجود خللی را در آن قیاس نشان می دهد به گونه ای که با اقامه قیاس مقاومت، قیاس سابق اعتبار خود را از دست می دهد .

قیاس معارضت

• قیاسی که به وسیله آن بتوان نتیجه قیاض قبلی را ابطال کرد قیاس معارضت نام دارد. قیاس معارضه بدون آن که قیاس سابق را از اعتبار بیاندازد، نتیجه آن را ابطال می کند و این از طریق انتاج ضد یا نقیض نتیجه آن قیاس است.

• هر ج ب است.

• هر ب الف است

• هر ج الف است.

• هر ج ط است

• هیچ ط الف نیست.

• هیچ ج الف نیست.

• هر جسمی فاقد اداری است.

• هر فاقد اداری بی جان است.

• هر جسمی بی جان است.

• برخی از اجسام انسان اند.

• هیچ انسان بی جان نیست.

• برخی از اجسام بی جان نیستند.

کاربرد قیاس معارضت و مقاومت

- قیاس معارضت و مقاومت در هم مغالطه و تلبس کاربرد دارند و هم در کشف مغالطه نقش مؤثری ایفا می کنند .

اهداف كلي بخش دوم

- دانشجوها استقراء به عنوان قسم دوم استدلال آشنا گردد.
- با اقسام استقراء و وجوه تمايز اين اقسام آشنا گردد.
- تمثيل را به عنوان قسم سوم استدلالی بشناسد .
- اعتبار منطقي تمثيل و کاربرد آن در منطق را بشناسد .

استقراء

- در تعریف استقراء گفته اند :
- «آن، حجتی است که از قضایای جزئی به نتیجه ای کلی می انجامد» استقراء محصول دو عمل ذهنی است
- 1. مطالعه امور جزئی از طریق حس
- 2. نیل به حکم کلی از طریق جمع بندی و تعمیم احکام جزئی محسوس.

اقسام استقراء

- استقراء بر دو قسم است .
- استقراء تام : اگر در استقراء همه افراد يك مجموعه مطالعه شوند، استقراء تام مي باشد.
- استقراء ناقص : در موارد زيادي مطالعه تمام افراد مجموعه ميسور نيست . اگر در استقراء نتوان به مطالعه تك تك افراد دست يافت ، بلکه حكم كلي تنها از طريق مشاهده چندين مورد و به واسطه تعميم موارد مشاهده شده به بقيه موارد، بدست آيد، استقراء را ، استقراء ناقص مي نامند .

اعتبار استقراء ناقص

- استقراء ناقص شامل دو عمل ذهنی است:
- 1. مشاهده موارد جزئی متعدد
- 2. تعمیم آنها این تعمیم صرفاً يك عمل روانشناختی است و نه يك عمل برهانی.
- استقراء ناقص هر چند در شکل گیری دانش تجری و اغلب آگاهیهای ما نقش اساسی دارد ولی از جهت قطعی بودن نتیجه، از اعتبار زیادی برخوردار نیست .

تفاوت استقراء تام و ناقص

- گفتیم استقراء تام مبتنی بر دو عمل ذهنی است: 1. مشاهده امور جزئی 2. جمع بندي و تعمیم مشاهدات . تفاوت اساسی استقراء تام و ناقص در مرحله دوم است .
- چنین استقراءي در واقع قیاسی است که بر مشاهده و تقسیم بندي مشاهدات استوار است و چون اقسام محدود می باشند می توان نتیجه را به نحو کلی و فراگیر ادعا کرد .
- در استقراء ناقص همین روش وجود دارد با این تفاوت که تقسیم بندي در مقدمه نخست حاصر نیست و لذا نتیجه آن را نمی توان به نحو کلی ادعا کرد . به همین جهت استقراء ناقص را شبیه به قیاس می نامند .

تمثيل

- عبارت است از مشاهده وصف و حالتي در شك شي ء و سپس تعميم آن وصف و حالت به امري مشابه با شي ء قبلي، شي ء قبلي را اصطلاحاً اصل مي نامند و امر دوم را كه موضوع حكم تمثيلي است، فرع مي خوانند. وجه اشتراك بين اصل و فرع، وجه مشابهت يا وجه جامع ناميده مي شود كه در واقع علت تعميم حكم از اصل به فرع مي باشد .
- در اصلاح فقهي و به تبع آن در زبان ادبيات ، استدلال تمثيلي، قياس ناميده مي شود.

کاربرد تمثیل

- تمثیل در خطابه، جدل و مغالطه کاربرد دارد زیرا موجب اذعان مخاطب می‌گردد، هر چند که مفید یقین نیست. تمثیل از جهت قوت اذعان آوری در مخاطب مراتب مختلفی دارد.

مراتب قوت و ضعف تمثيل

- تمثيل ضعيف آن است كه داراي جامع مشترك با موضوع مورد نظر نباشد .
- قوي تر از آن تمثيلي است كه داراي جامع مشترك باشد
- وقوي تر از آن تمثيلي است كه جامع مشترك آن امر وجودي باشد
- وقوي تر از آن تمثيلي است كه جامع مشترك در آن علت حكم باشد .

فصل پنجم : صناعات خمس

- بخش اول : اهداف كلي
- دانشجو جایگاه صناعات خمس در منطق را بشناسد .
- با طبقه بندی روشهای اندیشه آشنا گردد .
- اقسام مواد قیاس را بشناسد .

موضوع صناعات خمس

- موضوع صناعات خمس بررسي مواد استدلالهاست . مراد از ماده استدلال، قضايائي است که نتیجه استدلال بر آنها مبتني است . قضايائي که به منزله مقدمات قياس به کار مي روند، اقسام مختلفي دارند . برخي از آنها يقيني اند و برخي ظنّي، بعضي وهمي اند و بعضي تخيلي . نتیجه هر استدلال از اين جهت تابع اخس مقدمات است .

طبقه بندی روشهای اندیشه

- روشی که به اندیشه های یقینی می انجامد و لاجرم بر مقدمات یقینی مبتنی است .
- روشی که به آراء مشهوره و دیدگاههای عام پسند منتهی می شود .
- روشی که باورهای اقناعی را نتیجه می دهد .
- روشی که باورهای نادرست ، اوهام و اندیشه های باطل را حق جلوه می دهد .
- روشی که به ادارکات تخیلی می انجامد .
- روشهای پنجگانه فوق در اصطلاح منطقیون به ترتیب برهان، **جدل، خطابه، مغالطه و شعر** نامیده می شود .

طبقه بندي مواد قياس

- مواد استدلالهاي را به ترتيب اهميت منطقي به هشت قسم طبقه بندي کرده اند :
- 1. يقيني
- 2. ظني
- 3. رأي مشهور
- 4. رأي مقبول
- 5. باور مسلم
- 6. قضيه مشبهه
- 7. گزاره وهمي
- 8. ادراكات خيالي

قضایای یقینی

- «قول جازم مطابق با واقع ثابت که خلاف آن ممتنع و تناقض آمیز است» . شیخ الرئیس یقین به این معنا را تصدیق علمی نامیده و آن را از تصدیق ظنی ، وهمی و... متمایز کرده است. مراد ما از یقین ، یقین باب رهان است

دو فرق یقین ، بایقین باب برهان

- یقین باب برهان مرکب از باور است :جزم به اینکه الف ب است و قطع به اینکه محال است الف ب نباشد، درحالی که یقین به معنای لغوی قطع به یک نسبت خبری است .
- فرق دوم این است که در یقین باب برهان به دلیل اینکه قضیه ضرورت در صدق دارد قاعده زیر وجود دارد «تصدیق علمی به اینکه الف، ب است ، نتیجه می دهد که الف ب است »
- درحالیکه در یقین به معنای لغوی چنین استلزامی وجود ندارد .

ویژگی های یقین (به معنای باب برهان)

- حمل محول بر موضوع اجتناب ناپذیر است.
- صدق آن ضروری است و کذبش محال و تناقض آمیز است.
- همیشه صادق است.
- به نحو همه یا هیچ می باشد. یعنی یا در همه موارد الف ب است، یا در هیچ موردی الف ب نیست.
- استثنای پذیر نیست.
- تضاد این قضایا در حکم تناقض می باشد.
- قضیه یقینی، قضیه حقیقیه است (ونه خارجیه).

اقسام قضایای یقینی

- قضایای یقینی بر دو قسم اند: یقینی ضروری و یقینی نظری .
- قضیه یقینی نظری، قضیه ای است که به طریق قیاس (انحصاراً قیاس) و از قضایای یقینی (انحصاراً) پیشین حاصل آمده است.
- و قضیه یقینی بدیهی یا ضروری، قضیه ای است که یقینی که مسبوق به قضیه ای پیشین نیست و از علم سابق اخذ نشده است. قضایای یقینی ضروری که اصول یقینیات نامیده می شود، اساس و مبنای همه آگاهیهای یقینی و دانشهای برهانی است.

اصول یقینیات به استقراء شش قسم است (1)

- اولیات : قضیه ای که صرف تصور طرفین آن (موضوع و محمول) موجب تصدیق باشد و اذعان به آن جز به تصور طرفین منوط نباشد مانند:
- «الف ب است» و «الف ب نیست» با هم صدق نمی کنند .
- «الف ب است» و «الف ب نیست» با هم تکذیب نمی کنند .
- هرکل بزرگتر از جزء خود است .

اصول یقینیات به استقراء بر شش قسم است (2)

- فطریات : قضیه ای را فطری می نامند که تصدیق به آن علاوه بر تصور موضوع و محمول به امر دیگری (حداوسط) نیازمند است اما حداوسط به هنگام تصور طرفین از ذهن غایب نیست. مانند قضیه زیر:

● شش زوج است

اصول یقینیات به استقراء شش قسم است (3)

- محسوسات : قضیه ای که تصدیق به آن علاوه بر تصور موضوع و محمول به آلات و ابزارهای حسی نیز منوط باشد، اگر ابزارهای حسی از حواس باطنی باشند، آن قضیه را از باطنیات می شمارند . مانند قضایای زیر :
- ما دارای اراده هستیم .
- من گرسنه هستم .
- واگر به طریق حواس ظاهری باشند، آن را حسی می نامند مانند دو قضیه زیر:
- عسل شیرین است .
- هوا سرد است .
- محسوسات را مشاهدات نیز می نامند .

اصول یقینیات به استقراء شش قسم است (4)

- حد سیات : تصدیقی که علاوه بر حدس، بر حدس استوار باشد، قضیه حدسی می نامند مانند این قضیه :
- نور ماه از خورشید است .

اصول یقینیات به استقراء شش قسم است (5)

- مجربات : و آن قضیه ای است که از طریق مشاهده و تجربه حاصل می آید . مراد از تجربه مشاهده ای فراوانی است که در قالب قیاس های خفی تعمیم بیابند .
- الف وب دائماًً و اکثراً معیت و تقارن دارند (محصول استقراء)
- هر دو امری که دائماًً و اکثراًً معیت داشته باشند ، تلازم دارند
- صغری (الف وب تلازم دارند .
- کبری) هر دو امر متلازم از هم لاینفک می باشند .
- الف وب لاینفک اند (الف) ب است بالضروره و ضرورتاً الف ب است صادق است .

اصول یقینیات به استقراء شش قسم است (6)

- متواترات : قضیه ای متواتر نامیده می شود که با اخبار گروهی ، مورد تصدیق واقع می شود که عادتاً توافق آنها بر دروغ ممتنع باشد مانند اینکه «مکه موجود است» برای کسانی که مکه را ندیده اند .
- در قضیه متواتر دو شرط اساسی وجود دارد :
 - 1. از یک امر حسی خبر بدهد یعنی بتواند به یک مشاهده برگردد
 - 2. گزارشهای متعددی از این امر حسی نقل شود به گونه ای که امکان دروغ گفتن آنها منتفی باشد .

مظنونات

- ظن معاني متعدد دارد:
- 1. گاهی ظن باور غیر جازم را می گویند .
- 2. گاهی نیز ظن در مقابل یقین باب برهان به کار می رود .
مانند ظن صرف ، قول جازم غیر مطابق ، قول جازم مطابق
غیر ثابت
- 3. معنای دیگر ظن ، تصدیق جازم مطابق غیر ثابت می باشد .
- مراد از ظن در صناعات خمس همین معنای اخیر می باشد . اگر
در يك استدلال يك تصدیق ظني وجود داشته باشد، آن استدلال
نتیجه یقینی نخواهد داشت .

آراء مشهوره

- مشهور صرف عبارت است از ایده و باوري که عموم بر آن مي گروند البته به دليل گرايشهاي رواني و عواطف دروني و نه به جهت اينکه اين قضايای حاکي از عالم واقع اند . حکما در تمایز آراء مشهوره از قضایای يقيني و ظيني گفته اند .

اصول مشهورات بر 5 قسم اند

● يك-محمودات (آراء محموده)

● دو- خلیات

● سه- انفعالیات

● چهار- عادیات

● پنج- استقرائیات

مقبولات

- قضایائی هستند که مورد قبول اکثر مردم واقع می شوند
صرفاً به دلیل اینکه بزرگان دینی و شخصیت‌های ملی
جامعه آنها را تأیید کرده اند . این قضایا در خطابه کاربرد
دارند .

مسلمات

- گاهي قضيه اي در جريان استدلال به منزله مقدمه به كار مي رود بدون آنكه مطابقت آن يا واقع مورد نظر باشد و اين در مورد دي است كه استدلال كننده صرفاً بر اساس باورهاي مورد قبول مخاطب خویش استدلال را تنظيم مي كند چنين قضيه اي را مسلم مي نامند . كه بر سه قسم است :
- مسلم نزد همگان (جمهور مردم)
- مسلم نزد طایفه اي مانند متكلمين، فيلسوفان و ...
- مسلم نزد فرد مانند مسلم نزد متعلم و مسلم نزد جدل كننده

مشبهات

- يا قضايای کاذب صادق نما که بردو قسم اند :قضايای کاذب مشبه به يقينات و آرای شنيع که مانند آراء مشهور انگاشته مي شوند .قسم اول در فن مغالطه به کار مي رود و قسم دوم در مشاغبه کاربرد دارد .

وهميات

- قضايای و همي ،قضايای کاذبي هستند که صادق و بدیهي پنداشته مي شود . چنین احکام پنداري محصول دخالت قوه وهم در معقولات است . قوه وهم دو نوع حکم دار .
- (يك) حکم در امور حسي
- (دو) حکم در امور عقلي

مخیلات

- قوه تخیل می تواند از به هم د وختن برخی اتصورات ، به تصور ویا تصدیق های خیالی دست یابد . مقصود از ساختن چنین اداری کاتی کشف واقعیت در جهان خارج نیست بلکه قوه تخیل آنها را به منزله ابزار های برانگیزاننده هیجانها و احساسات به کار می گیرد .
- مخیلات مواد شعر می باشد .

بخش دوم : فن برهان

- اهداف كلي
- دانشجويان فن برهان آشنا شود .
- از تعريف برهان و اقسام آن آگاه گردد.

اهمیت برهان

- روش رَهْبُرد اندیشه از جهت کیفیت نتایج حاصل از آن به اقسام پنجگانه تقسیم می شود: برهان، جدل، خطابه، شعر و مغالطه.
- مهمترین و استوارترین روش اندیشه، برهان است.
- از نظر منطقیون برهان منطقی ترین روش اندیشه است به گونه ای که معلم دوم، فارابی منطق را به علم برهان تعریف می کند.

تعريف برهان

- برهان قياسي است مؤلف از مقدمات يقيني كه قضيه اي يقيني بالضرورة از آن حاصل مي آيد. بنا بر اين برهان داراي مقدمات يقيني و نتیجه يقيني مي باشد.

مقدمات برهان

- یا نظري اند ويا ضروري. مقدمات ضروري، «مبادي برهان» ناميده مي شوند که با اقسام ششگانه آن آشنا شدیم .
- مقدمات برهان مشتمل بر سه حداند: حد اصغر، حداکثر و حداوسط . حداوسط، واسطه تألیف حد اصغر و حد اکثر و حصول نتیجه مي باشد. اتصاف اصغر به اکبر (نتیجه) معلول حد اوسط است . به همین دلیل حداوسط را علت اثباتي یا واسطه در اثبات مي نامند .

اقسام برهان (1)

- استدلال از طریق علت در معلول ، حد اوسط هم واسطه در اثبات است و هم واسطه در ثبوت . چنین برهانی را برهان لِم می خوانند مانند قیاس زیر :
- قیاس (1) این فلز حرارت دیده است .
- هر فلزی حرارت دیده باشد منبسط می گردد
- این فلز منبسط شده است .

اقسام برهان (2)

- اگر حد اوسط معلول نتیجه باشد، یعنی استدلال کننده از طریق معلول، علت را اثبات کند در این صورت برهان **إن** نامیده می شود. درست بر عکس برهان **لم** مانند قیاس زیر:
- قیاس (2) این فلز منبسط شده است .
- هر فلزی منبسط شود حرارت دیده است .
- این فلز حرارت دیده است

بیان سبزواری در اقسام برهان

- علم به معلول از طریق علت، برهان لم است و عکس آن (علم به علت از طریق معلول) آن می باشد. برهان لم از جهت اعتبار منطقی مقدم می باشد چرا که آن از نظر یقین بخشی، مطمئن تر است.

برهان شبه لم چیست؟

-
- حد اوسط در اینجا مستلزم لا ینفک می باشد و تحقق یکی (حد اوسط) در جائی (حد اصغر) تحقق دیگری (اکبر) در همان جا (اصغر) را لازم دارد . چنین برهانی را برهان شبه لم می خوانند . عده ای آن را از اقسام برهان ان می دانند . بنابراین سه قسم برهان وجود دارد :

- لِم

- اِنْ (دلیل)

- وشبه لِم

مأخذ اول و مأخذ ثاني

- قياسي که در آن حد اوسط مقوم حد اصغر باشد .
- قياسي که در آن حد اوسط عرض لازم نسبت به حد اصغر باشد .
- طريق نخست را مأخذ اول مي گویند و طريق دوم را مأخذ ثاني مي نامند .
- مثال براي مأخذ اول :
- انسان ناطق است
- هر ناطقي متعجب است
- انسان متعجب است .
- مثال براي مأخذ ثاني :
- انسان متعجب است .
- هر متعجبي ضاحك است
- انسان ضاحك است .

بخش سوم فن جدل

- اهداف كلي
- دانشجو بايد با جدل آشنا شود .
- حيطه کاربرد جدل را بشناسد .
- با مفاهيم واصطلاحات اين بخش آشنا شود .

تعريف جدل

- جدل در این اصطلاح به یکی از 5 روش عمده رهبر و اندیشه، اطلاق می شود. ارسطو جدل را قیاس ذایعات و آراء مشهوره، تعریف می کند

تعريف ديگري از جدل

- جدل فني است علمي که انسان به وسيله آن مي تواند از مقدمات مسلم براي هر مطلوبي که بخواهد، اقامه حجت و دليل کند به گونه اي که تا حد ممکن استدلال وي رخنه پذير نباشد .
- باوري که در جدل مورد ابطال و اثبات طرفين جدل قرار مي گيرد، «وضع» ناميده مي شود . طرفي را که از وضع دفاع مي کند، مجيب مي نامند . فردي که در مقام ابطال و نقض وضع مي باشد را سائل مي خوانند .

جدل در دو جابه کار نمی رود

- يك - مشهورات حقيقي مطلق که به جهت شهرت آنها شايسته نيست که کسی در مقام انکار آنها بر آید . این قضایا بدیهي اند و بي نیاز از احتجاج و استدلال و اگر کسی چنین اقوال مشهوري را انکار کند، احتجاج جدلي براي وي سودي ندارد .
- دو - قسم دوم از مسائلي که به وسیله احتجاج جدلي قابل اثبات نيستند، قضایاي رياضي و امثال آنها مي باشد که بر حس و تجربه مبتني اند و ارتباط منطقي با آراء مشهوره ندارند .

مقایسه جدل و برهان

- تفاوت در مواد برهان برخلاف جدل،
- تفاوت در صورت و روش برهان
- تفاوت در غایت، برهان تنها به منظور کشف حقیقت به کار می رود. اما جدل به قصد خصم و اثبات باور مورد التزام شخص به کار می رود.
- تفاوت عمده دیگر در این است که برنفي و اثبات يك مطلب علمي نمي توان دوبرهان هم اقامه كرد.

محمول جدلي

- جدل بر سه ركن استوار است :
- مسأله
- مقدمه
- و وضع .
- اين سه ركن غالباً به صورت قضيه اي مي باشند كه در موضوع مشترك اند . محمول اين قضيه از نظر منطقي اهميت دارد . مجادله بر سر اثبات ويا ابطال چنين محمولي واقع مي شود . اين محمول را محمول جدلي مي نامند .

مواضع جدلي

- گاهي در اثبات محمولي خاصي، رأي مشهور بين كه مورد توافق طرفين جدل باشد، وجود ندارد اما قوانين عام و كلي وجود دارند كه مي توان از طريق تحليل آنها احكام مشهور كلي را استنتاج كرد (به طريق استدلال مباشر) و آنگاه احكام مشهور بدست آمده را در استدلال جدلي به كار برد. چنين قواعد كلي و قوانين عام را مواضع جدلي مي نامند.

مواضع جدلي

- در شش طبقه معرفي کرده اند:
- مواضع اثبات و ابطال ، مطلقاً که صرفاً در اثبات يك محمول ويا نفي آن به کار مي آيد و براي همه انواع محمولها استعمال مي شود به ويژه در محمولي که عرض است .
- مواضع اولي و اثر از اين مواضع در مقام اثبات اينکه محمولي بر موضوعي ، شايستگي بيشتري دارد استفاده مي شود .
- مواضع جنس که مواضع فصل هم به آن ملحق مي گردد .
- مواضع حد
- مواضع خاصه
- مواضع هو هو .

ابزارهاي مؤثر در جدل

- آشنایي کامل با اقسام قضایاي مشهور و شناخت تناسب ،استخدام آنها از طریق ممارست حاصل می شود.
- آشنایي کامل با الفاظ مشترك، منقول، مشکك، متواطی ، متباین و مترادف و مهارت کافی در تشخیص.
- توانایي تشخیص متشابهات و تفصیل آنها از یکدیگر به وسیله خواص (مميز عرضي) و فصول.
- قدرات در بیان تشابه مختلفاتف اعم از تشابه ذاتي و عرضي

وصايا

- وصايا بر سه دسته اند :
- 1. وصاياي براي سائل
- 2. وصاياي براي مجيب
- 3. وصاياي متشرك براي هر دو (سائل و مجيب).

وظایف سائل

- 1 تصور موضعي که مقدمه را از آنجا خواهد گرفت
- 2. کیفیت توصل به تسلیم به مقدمه و تشنیع بر منکر، یعنی شناسایی روشی که می خواهد از طریق آن مجیب را به تسلیم وادارد
- 3. تصریح به آنچه در ضمیر دارد بوجه خطاب یا غیر .

وظایف مجیب

- 1. سعی بر اینکه رشته سخن را خود به دست گیرد و با طرح سوالهای مکرر، سائل را تحت تأثیر قرار دهد و تا سائل حالت دفاعی به خود بگیرد
- 2. سعی بر مشغول کردن سائل با پرسشهایی که نتواند جواب مناسب آنها را پیدا کند
- 3. توجه به اینکه اگر عقیده مجیب از مشهورات باشد، مقدمات مشهوری را که مورد قبول سائل است، منع نکند .

ج- وظایف مشترك سائل و مجیب (1)

- 1. مهارت در دانش منطق
- 2. آشنایی کامل با قواعد مناظره و چگونگی استفاده از استدلالهای مباشر
- 3. به کار بردن الفاظ زیبا و مناسب
- 4. خود داری از ناسزاگویی و تمسخر
- 5. بیان مطلب به صورت متین و استوار و آرام و بدون تردید و تزلزل

وظایف مشترک سائل و مجیب (2)

- 6. فروتنی در برابر طرف مناظره
- 7. خودداری از مناظره با ریاکاران، شهرت طلبان، کینه توزان و دوستداران جاه و مقام و قدرت
- 8. آشنایی کامل با اصول و قواعد هر فن و دانشی که در آن مناظره می کنند

وظایف مشترك سائل و مجیب

- 9. توجه به اینکه سائل باید همیشه حکم را به طور کلی و عام نقض و منع کند، ولی مجیب را به طور خاص اثبات کند تا اگر حکم مردود شود، بتواند به حکم خاص دیگری تمسک جوید .
- 10. عنایت به اینکه باید هدف هر دو، رسیدن به حقیقت و انصاف داشتن در مناظره و داوری باشد و باید هر دو از اصرار در خطا پرهیزند .

بخش چهارم فن مغالطه

- اهداف کلی آن است که دانشجو در این بخش با فن مغالطه آشنا گردد
- جایگاه مغالطه در منطق را بشناسد
- از عوامل مغالطه آگاه گردد

جایگاه مغالطه در منطق

- خاستگاه تاریخی علم منطق و علت تدوین این دانش لغزش پذیری ذهن آدمی ، است
- عده ای بر این باورند که در کتاب های منطقی ابتدا باید مبحث مغالطه مطرح گردد و سپس در پرتو بحث هر مغالطه ای ، قاعده خاص منطقی ، تعلیم داده شود
- می توان با آشنایی به آفات شناخت و عوامل مغالطه و با به کار بردن قواعد منطقی ، کشف خطا و رفع مغالطه کرد.

تعریف مغالطه

- مفهوم عام خطای فکری را مغالطه نامند اعم از آن که وقوع خطا در مقام تعریف یا استدلال و یا باشد

تَبْکِیت چِست؟

- هر قیاسی که نتیجه آن رد و ابطال باور خاص فردی باشد در اصطلاح تبکییت نامیده می شود

قیاس تبکیتی یا برهان یا جدل ؟

- اگر قیاس تبکیتی از مقدمات یقینی وساختار صوری منتج باشد برهان نام دارد
- واگرمقدمات آن آراء مشهوره باشد جدل نام دارد.

تبکیت مغالطی

- اگر قیاس تبکیتی از مقدمات وهمی (مقدمات کاذبی که یقینی پنداشته می شود) تألیف گردد و یا ساختار صوری آن به گونه ای باشد که منتج پنداشته شود، تبکیت مغالطی نامیده می شود. روش کسی که در مقام استدلال با به کار بردن تبکیت مغالطی، به ابطال دیدگاه مخاطب خود می پردازد، فن مغالطه نامیده می شود.

قياس مشاغبي

- قياس تبکيتي مشبه به جدل که از مقدمات شبيه به آراء مشهوره ، تأليف مي گردد، قياس مشاغبي نام دارد . روش کسي که در مقام استدلال جدلي ، تبکيت مشاغبي به کار مي برد، فن مشاغبه خوانده مي شود .

مغالطه و مشاغبه

- مغالطه و مشاغبه دو صناعت اند که در ابطال دیدگاه يك فرد به کار گرفته مي شود به گونه اي که صاحب آن دیدگاه از نادرستي روش ابطال، آگاهی ندارد .

کاربرد فن مغالطه

- 1. آگاهی از نادرستی استدلال‌های مغالطی و در نتیجه مصونیت از خطای اندیشه، اعم از خطایی که فرد مغالطه گر در مقام استدلال، ایجاد می کند و یا خطایی که در مقام تفکر، رخ می دهد .
- کسب مهارت منطقی از طریق ممارست در به کارگیری قواعد منطقی بوسیله نقد و ارزیابی استدلال‌های مغالطی

فواید دیگر شناخت فن مغالطه

- بنابراین شناخت فن مغالطه در مقام تفکر از طریق آسیب شناسی فکر، موجب مصونیت از خطا می گردد و در مقام تعلیم به منزله امتحان و سنجش در فراگیری قواعد منطقی به کار می رود .
- عده ای استفاده از فن مغالطه را در مقام عداوت و معاندت با مخاطب نیز از جمله فواید این فن انگاشته اند

عوامل مغالطه

- به عوامل رواني است که به طور غيرمستقيم فرد را به خطا مي اندازد.
- عوامل دروني نهفته در خود استدلال مغالطي، بر دو قسم متمايز است:
 - 1. عوامل زباني
 - 2. عوامل معرفتي که در اصطلاح منطق دانان به ترتيب عوامل لفظي و معنوي خوانده مي شوند .
- عوامل زباني

عامل روانی مغالطه

- عوامل روانی مغالطه که در اصطلاح منطق دانان، اسباب خارجی یا تبکیت خارجی نامیده می شود، اموری خارج از استدلال قیاس می باشند که بالعرض اقتضای مغالطه می کنند. برخی از معاصرین اسباب خارجی مغالطه را در بحث از آفات شناخت به عنوان آفات رهرو تعبیر کرده اند.

عوامل دروني مغالطه

- عوامل دروني نهفته در خود استدلال مغالطی، بر دو قسم متمایز است:
 - 1. عوامل زبانی
 - 2. عوامل معرفتی که در اصطلاح منطق دانان به ترتیب عوامل لفظی و معنوی خوانده می شوند .

عوامل زبانی مغالطه

- عوامل زبانی که در واقع سرایت کثرتابی های زبانی به ذهن است و برشش قسم است

عوامل معرفتي مغالطه

- عوامل معرفتي که در واقع خطا در نحوه تأليف استدلال است، داراي هفت قسم مي باشد .

تبکیت بیرونی یا عوامل روانی مغالطه

- عوامل روانی مغالطه، شرایط خاص روانی است که متفکر در این شرایط، دچار خطای در اندیشه شده و از وصول به نتیجه درست باز می ماند .
- منطق دانان تحت عنوان تبکیت بیرونی و اسباب خارجی مغالطه بحث نموده اند . از دو حالت عوامل روانی مغالطه بحث نموده اند

دو حالت عوامل رواني مغالطه .

- آفات رهرو

- وطريق شناخت

برخی از اهم آفات رهرو (1)

- برخی از اهم عواملی که می تواند پوینده راه معرفت را از رفتار بازدارد و از راه به بیراهه بکشاند . عبارتند از :
- يك - ساده انگاری و عافیت طلبی
- دو- پیروی از هوی و هوس
- سه- خود باختگی در مقابل قدرتها، شهرتها، شعارها
- چهار- پیروی کورکرانه از عادت و سنن

برخی از اهم آفات رهرو (2)

- پنج- جدانکردن جنبه های گوناگون از هم : غلفت از پیچیدگی و چند چهرگی يك پدیده
- شش – درآمیختن انگیزه وانگیخته
- هفت – خیال پردازی به جای استدلال و تکیه برظن و گمان بجای علم و یقین .



تبکیت بیرونی

- یک-تشنیع بر مخاطب در مورد باور و دیدگاهی که دارد.
در واقع از طریق تحقیر فرد، می توان او را به خودباختگی کشاند به گونه ای که از دست یافتن به حقیقت بازماند .
- دو-سوق سخت مخاطب به سخنی کاذب و یا به رأی خلاف مشهور
- سه-ذکر مطلبی که مخاطب را متحیر و بددل کند .
- چهار- ایراد حشو و زواید از هذیان و تکرار، و بر جمله آنچه به مقصود متعلق نباشد .

مغالطه های لفظی (کژتابی های زبانی)

- زبان طبیعی (مانند فارسی، عربی، انگلیسی و...) به دلیل اینکه آکنده از الفاظ مشترك، تعابیر متشابه و دارای ابهام است، استعداد خطاآفرینی دارد.
- ما بیش از آنکه به وسیله مفاهیم و معانی ذهنی تفکر کنیم، از طریق تألیف نمادهای لفظی ذهن، می اندیشیم. به همین دلیل، هرگونه کژزبانی موجب خطای در فکر می گردد.

مهمترین مواضع مغالطه زبانی

- این مغالطات در علوم از جمله فلسفه، منطق، ریاضیات و... استدلالهایی است که بر تحلیل زبانی استوارند. این مغالطه ها ناشی از کژتابی زبانی نیستند بلکه ناشی از سریان احکام اعتباری زبان به مسائل علوم است.

تقسیم بندی منطق دانان از مغالطه های لفظی

- مغالطه های لفظی در الفاظ مفرد
- مغالطه های لفظی در الفاظ مرکب

مغالطه های لفظی در الفاظ مفرد

-
- يك - تعدد معاني لفظ
- دو - مغالطه مبتنی بر ابهام لفظ واحد نسبت به معانی متعدد
- سه-گاهی مغالطه از هیأت عرضی لفظ ناشی می شود و نه خود لفظ. مانند اغلاطی که بر اثر اشتباه اعراب در زبان عربی و اعجام یا اهمال یا ابهام در همه زبانها، رخ می دهد .

مغالطه های لفظی در الفاظ مفرد

- يك - تعدد معاني لفظ .برخي از الفاظ به لحاظ ساختار لغوي داراي معاني متعدددند ولذا با کاربرد اين الفاظ، مقصود گوينده صرفا با توجه به خود لفظ روشن نخواهد بود . تعدد معاني لفظ واحد، خود دلايل مختلفی دارد از جمله : مشترك لفظي ،لفظي منقول ،کنايه ، استعاره، حقيقت و مجاز ومرتجل و.....

مغالطه ایهام در ساختار صرفی

در مواردی لفظ، نه از جهت معنای لغوی بلکه از جهت ساختار صرفی دارای دو معنای مختلف است. مانند لفظ مختار که هم به معنای اسم فاعل به کار می رود و هم به معنای اسم مفعول.

مغالطه های لفظی در الفاظ مرکب

- مغالطه های لفظی که ریشه در ترکیب الفاظ دارند نیز بر سه قسم تقسیم می شوند:
 - 1. مغالطه ممارات
 - 2. مغالطه ترکیب مفصل
 - 3. مغالطه تفصیل مرکب

عوامل معرفتي (معنوي) در مغالطه

- خطاي فكري، به علت ساختار استدلال رخ دهد، مغالطه معرفتي مي ناميم که ناشي از عوامل معنايي (معنوي) است . چنين مغالطه هايي به دليل وقوع خطا در نحوه تأليف استدلال به وجود مي آيند .
- مغالطه معنوي را بر دو قسم دانسته اند:
- مغالطه در تأليف اجزاء قضيه :
- در مقام تأليف موضوع و محمول (براي حصول قضيه)
احتمال سه نوع خطا وجود دارد

مغالطه در تألیف اجزاء قضیه

- در مقام تألیف موضوع و محمول (برای حصول قضیه) احتمال سه نوع خطا وجود دارد:
- يك- مغالطه ایهام انعکاس
- دو- مغالطه اخذ ما بالعرض مکان ما بالذات
- سه- مغالطه سوء اعتبار حمل

مغالطه در تألیف اجزاء قیاس

- قسم دوم مغالطه معنوي، خطاهایی است که در تألیف دوم یعنی تألیف قضایا برای تشکیل استدلال رخ می دهد . وقوع خطا در تألیف مقدمات قیاس چهار صورت دارد :
- يك- مغالطه جمع مسائل تحت مسأله واحد
- دو -مغالطه سوء تألیف
- سه- مغالطه وضع ماليس بعله عله
- چهار-مغالطه مصادره به مطلوب

بخش پنجم : فن شعر

- اهداف كلي
- دانشجو
- با فن شعر آشنا می شود .
- جایگاه شعر در منطق را می شناسد .

تعریف شعر

- سخن دارای نظم، وزن، قافیه، تساوی ارکان، شعر می باشد .
- اهل منطق، شعر به صورت کلام مخیل توصیف می شود، شعر سخنی است خیال انگیز هر چند که خالی از وزن، قافیه و دیگر آرایشهای لفظی باشد .

تعريف خواجه طوسي از شعر

• هویت شعر، قدرت برانگیختن عواطف و احساسات نفسانی شنونده است .

• این مرهون عوامل مختلفی است :

• 1- معنایی که شعر متضمن آن است . معنایی که محصول آفرینش قوه تخیل باشد، خیال انگیز است .

• 2- لفظ نیز بر این خیال انگیزی می افزاید، زیرا اگر لفظ از وزن، قافیه و تساوی ارکلان برخوردار باشد، متضمن موسیقی خاصی خواهد بود که بر خیال انگیزی کلام می افزاید .

جایگاه شعر در منطق

- شعر را که احسن آن اکذب آن می باشد چه نسبتی با منطق که مبین موازین درست‌ی تفکر است .
- فراتر از لفظ و امور مربوط به آن ، یعنی سخن از معنا (تن) و حقیقتی که معنا از آن نشأت می گیرد (روح) امری است که به تحلیل منطقی فلسفی محتاج است . منطق دانه در فن شعر به تحلیل ساختار معنایی شعر می پردازند .

تحليل ساختار معنای شعر

● ذهن در ادراکات و تصورات هادوگونه تصرف می نماید :

1. تصرفی که به وسیله قوه تفکر (تعقل) انجام می شود.

2. ذهن به دلایل روانی و تمایلات نفسانی با قوه تخیل دست تصرف

در ادراکات خود می گشاید و آنها را از هم تفصیل داده و آنگاه به

هر صورتی که می پسندد دوباره ترکیب می نماید .

www.salampnu.com

سایت مرجع دانشجوی پیام نور

- ✓ نمونه سوالات پیام نور : بیش از ۱۱۰ هزار نمونه سوال همراه با پاسخنامه
- تستی و تشریحی
- ✓ کتاب ، جزوه و خلاصه دروس
- ✓ برنامه امتحانات
- ✓ منابع و لیست دروس هر ترم
- ✓ دانلود کاملاً رایگان بیش از ۱۴۰ هزار فایل مختص دانشجویان پیام نور

www.salampnu.com